

## آیا آموزه‌ی تثلیث مبتنی بر کتاب مقدس است؟

نویسنده: کیت ای. متیسون

آیا آموزه‌ی تثلیث مبتنی بر کتاب مقدس است؟ خب، بستگی به این دارد که منظور شما از «مبتنی بر کتاب مقدس» چه باشد. آیا در هیچ جای کتاب مقدس چیزی شبیه به اعتقادنامه‌ی نیکیه آمده است؟ خیر. آیا کتاب مقدس آموزه‌ی تثلیث را به طور نظام‌مند و با استفاده از اصطلاحات فنی الهیات مانند هم‌گوهری یا هم‌ذاتی تشریح کرده است؟ خیر. پس اگر این آن چیزی است که برای اینکه آموزه‌ی تثلیث را مبتنی بر کتاب مقدس بدانیم خود را نیازمند به آن تلقی کنیم، جواب منفی است و این آموزه مبتنی بر کتاب مقدس نیست. لیکن برای اینکه آموزه‌ی مذکور مبتنی بر کتاب مقدس باشد به چنین چیزی نیازمند نیستیم.

اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر می‌گوید: «تمام چیزهای مربوط به خداوند که برای شکوه او و نجات و ایمان و حیات بشر ضرورت دارند یا به‌صراحت در کتاب مقدس آمده‌اند یا پیامد درست و ضروری کتاب مقدس هستند» (۱. ۶). آموزه‌ی تثلیث به‌صراحت و با اصطلاحات فنی در کتاب مقدس نیامده، اما قطعاً «پیامد درست و ضروری» مطالبی است که به‌صراحت در کتاب مقدس آمده‌اند. پس باید ببینیم آموزه‌های صریح کتاب مقدس چه می‌گویند.

نخست، کتاب مقدس به‌صراحت می‌گوید فقط یک خدا وجود دارد. در میان کسانی که مرجعیت کتاب مقدس را قبول دارند، درباره‌ی این مطلب بحث خاصی نیست. تقریباً تک‌تک صفحات کتاب مقدس به این حقیقت شهادت می‌دهند که فقط یک خدا وجود دارد. مثلاً در تثنیه ۴: ۳۵ آمده است: «این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست» (همچنین، تثنیه ۴: ۳۹؛ ۳۲: ۳۹؛ اشعیا ۴۳: ۱۰؛ ۴۴: ۶-۸). چندخدایی و بت‌پرستی ملل همسایه‌ی اسرائیل به‌شدت محکوم شده و گفته شده که یهوه خداست و هیچ خدای دیگری وجود ندارد (اشعیا ۴۴: ۶-۲۰).

دوم، کتاب مقدس به‌وضوح می‌گوید پدر خداست. این سخن نیز در تاریخ کلیسا نسبتاً مورد اتفاق بوده است. عیسی از «خدای پدر» سخن می‌گوید (مثلاً یوحنا ۶: ۲۷). پولس در جاهای مختلف از «خدا پدر ما» و «خدای پدر» سخن می‌گوید (مثلاً رومیان ۱: ۷؛ اول قرنتیان ۱: ۳؛ ۸: ۶؛ ۱۵: ۲۴؛ دوم قرنتیان ۱: ۲؛ غلاطیان ۱: ۱ و ۳؛ افسسیان ۱: ۲؛ ۵: ۲۰؛ ۶: ۲۳؛ فیلیپیان ۱: ۲؛ ۲: ۱۱؛ کولسیان ۱: ۲؛ ۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱؛ ۲: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطس ۱: ۴؛ فیلیمون ۳). پس کتاب مقدس به‌وضوح می‌گوید فقط یک خدا وجود دارد و پدر خداست.

سوم، کتاب مقدس به‌وضوح می‌گوید پسر خداست. اگر همه‌ی آن چیزی که کتاب مقدس یاد می‌داد این بود که فقط یک خدا وجود دارد و پدر خداست، مشکلی پیش نمی‌آمد. یک مسیحی به‌سادگی نتیجه می‌گرفت که در عهدعتیق همان خدای واحد یهوه نامیده می‌شد و در عهدجدید پدر خوانده می‌شود. در نتیجه، اوضاع ساده می‌شد. اما چون کتاب مقدس به‌صراحت آموزه‌هایی درباره‌ی پسر و عیسی مسیح دارد موضوع پیچیده می‌شود.

کتاب مقدس به صراحت می‌گوید پسر خداست. برای مثال، در مقدمه‌ی انجیل یوحنا چنین می‌خوانیم: «در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (انجیل یوحنا ۱: ۱). در اینجا، «کلمه» با خدا یکی دانسته شده («خدا بود») و همزمان از او متمایز شده است («نزد خدا بود»). این «کلمه» کیست؟ آیه ۱۴ به صراحت پاسخ این سوال را می‌دهد: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته‌ی پسر یگانه‌ی پدر». کلمه عیسی پسر است.

نویسندگان کتاب مقدس به بیان‌های مختلف عیسی را با خدا یکسان گرفته‌اند. مثلاً او همان خدای واحد عهدعتیق است که یهوه نامیده می‌شود. یک مثال کفایت خواهد کرد. انجیل مرقس با نقل اشعیا ۴۰: ۳ شروع می‌شود. در آن آیه، اشعیا مردم را تسلی می‌دهد و می‌گوید یک روز یهوه نزد قوم اسرائیل خواهد آمد. به آنها گفته می‌شود «راه را برای خداوند آماده کنند». کلمه‌ی «خداوند» در اینجا ترجمه‌ی کلمه‌ی عبری یهوه است. در انجیل مرقس، عیسی همان واحد است که این پیش‌بینی را محقق می‌کند. یحیای تعمیددهنده راه را برای عیسی خداوند که نزد قوم اسرائیل می‌آید آماده می‌کند. بر این اساس، عیسی همان یهوه است که اکنون بنا به وعده‌اش نزد اسرائیل آمده است.

همچنین، شایان توجه است که در سراسر عهد جدید، کلمات، کارها و صفاتی که به عیسی نسبت داده می‌شوند فقط قابل انتساب به خداوند هستند. او پرستیده می‌شود (انجیل متی ۲: ۲). او از شاگردانش می‌خواهد تا در نام او دعا کنند (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۴). او گناه را می‌بخشد (انجیل متی ۹: ۱-۸؛ مرقس ۲: ۱-۱۲؛ لوقا ۵: ۱۷-۲۶). او خالق است (انجیل یوحنا ۱: ۳؛ کولسیان ۱: ۱۶). او تمامی خلقت را حفظ می‌کند (کولسیان ۱: ۱۷). او بر طبیعت حاکم است (انجیل متی ۸: ۲۳-۲۷). او در روز واپسین داور خواهد بود (انجیل یوحنا ۵: ۲۲؛ اعمال رسولان ۱۰: ۴۲). اگر پسر همان خدا نمی‌بود، کتاب مقدس نمی‌توانست موارد مذکور را تصدیق کند.

چهارم، کتاب مقدس به صراحت می‌گوید روح القدس خداوند است. بدعت‌گذاران این آموزه را زیر سوال برده‌اند، همانطور که آن آموزه‌ی دیگر را که پسر خدا باشد زیر سوال برده بودند، اما کلمه‌ی مرجع کتاب مقدس برای ما متن اصلی محسوب می‌شود و هر آنچه در آن آموزش داده می‌شود مبنای ایمان ماست. بسیاری از مسیحیان تلویحاً می‌دانند که در اعمال ۵: ۳-۴ روح القدس چطور با خداوند مرتبط شده، زیرا در آنجا آمده است که دروغ گفتن به روح القدس همان دروغ گفتن به خداست، اما مسیحیان به اشتباه معتقدند این متن از کتاب مقدس تنها شاهد موجود بر الوهیت روح القدس است. این طور نیست. بحث جامع درباره‌ی همه‌ی متون مرتبط در این مقال نمی‌گنجد، ولی به چند مورد اشاره می‌کنیم.

مثلاً اشعیا ۶: ۸-۱۰ را با اعمال ۲۸: ۲۵-۲۷ مقایسه کنید. اشعیا در پیش‌گویی خود سخنی از یهوه می‌گوید. در اعمال، پولس آن را به روح القدس نسبت می‌دهد. به بیان دیگر، آنچه یهوه گفت همان چیزی است که روح القدس

گفت. همچنین، با مقایسه‌ی مزامیر ۹۵: ۷-۱۱ با عبرانیان ۳: ۷-۱۱ به نتیجه‌ی مشابهی می‌رسیم. آنچه یهوه در مزامور ۹۵ می‌گوید نویسنده‌ی عبرانیان به روح‌القدس نسبت می‌دهد.

پنجم، کتاب‌مقدس به‌صراحت می‌گوید پدر، پسر و روح‌القدس متمایزند. اگر تنها چیزی که کتاب‌مقدس در اختیارمان می‌گذاشت چهار آموزه‌ی قبلی می‌بود، شاید به این نتیجه می‌رسیدیم که این خدای واحد گاهی خود را به شکل پدر، گاهی پسر و گاهی روح‌القدس نمایان می‌کند. اما این استنتاج مردود است، زیرا در کنار چهار آموزه‌ی مذکور، کتاب‌مقدس آن سه را به‌وضوح از هم متمایز می‌کند، به طوری که هر یک از آنها شخصی متمایز از دیگری است، با اینکه هر یک خداست.

کتاب‌مقدس به‌صراحت پدر را از پسر متمایز می‌کند. پدر پسر را فرستاد (انجیل یوحنا ۳: ۱۶-۱۷؛ غلاطیان ۴: ۴). پدر و پسر به یکدیگر محبت می‌ورزند (انجیل یوحنا ۳: ۳۵؛ ۵: ۲۰؛ ۱۴: ۳۱). آنها با یکدیگر سخن می‌گویند (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱-۴۲). یکدیگر را می‌شناسند (انجیل متی ۱۱: ۲۷). پسر شفیع ما نزد پدر است (رساله‌ی اول یوحنا ۲: ۱). این آیات فقط زمانی معنا دارند که پدر و پسر از هم متمایز باشند.

کتاب‌مقدس همچنین به‌صراحت پسر را از روح‌القدس متمایز می‌کند. در زمان تعمید پسر، روح‌القدس فرود آمد (انجیل لوقا ۳: ۲۲). روح‌القدس نیز تسلی‌دهنده است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶). پسر روح‌القدس را می‌فرستد (۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷). روح‌القدس پسر جلال می‌دهد (۱۶: ۱۳-۱۴). سرانجام، کتاب‌مقدس پدر را از روح‌القدس متمایز می‌کند. پدر روح‌القدس را می‌فرستد (۱۴: ۱۵؛ ۱۵: ۲۶). گفته می‌شود روح‌القدس نزد خدا شفاعت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷). هر سه شخص در متون مختلف از یکدیگر متمایز می‌شوند، اما آشناترین متن بخشی از ماموریت عظیم عیسی است که به شاگردان دستور می‌دهد اقوام را «به نام پدر و پسر و روح‌القدس» تعمید کنند (انجیل متی ۲۸: ۱۹).

پس سوال الهیاتی از این قرار است: اگر هر آنچه کتاب‌مقدس صراحتاً به ما می‌آموزد حقیقت دارد، باید چه درکی از خداوند پیدا کنیم؟ به بیان دیگر، پیامد خوب و ضروری این آموزه‌های صریح چیست؟ بدعت‌هایی که در اوایل مسیحیت برای آموزه‌ی تثلیث پیشنهاد می‌شدند نتوانستند یک یا چند مورد از نکات مذکور را رعایت کنند. سه‌خداانگاری نتوانست این آموزه‌ی صریح را که فقط یک خدا وجود دارد تبیین کند. حالت‌گرایی نتوانست این نکته را که سه شخص از یکدیگر متمایزند در خود لحاظ کند. آریانیسم نتوانست این نکته را که پسر خود خداست و نه فقط یک خدا لحاظ کند. بقیه نیز به همین ترتیب. برای اینکه به این آموزه‌های نادرست پاسخ گفته شود و حقیقت تبیین گردد، کلیسا پیامدهای خوب و ضروری همه‌ی آموزه‌های صریح کتاب‌مقدس را در نظر گرفت. به علاوه، کلیسا بدین منظور از اصطلاحات فنی استفاده کرد. چاره‌ی دیگری نبود، زیرا بدعت‌گذاران اغلب اصرار داشتند فقط از کلمات کتاب‌مقدس استفاده کنند و لذا آموزه‌های نادرست خود را در پس نقاب کلمات پنهان می‌کردند.

نتیجه‌ی تلاش‌های کلیسای اولیه این بود و هست که آموزه‌ی تثلیث بدست آمد. این آموزه به‌اختصار در اعتقادنامه‌ی نیقیه - قسطنطنیه (که به‌اختصار اعتقادنامه‌ی نیقیه نامیده می‌شود) آمده است، اما الهیدانان کلیسا نیز آن را در آثار فراوانی تشریح کرده‌اند؛ از جمله در *باب تثلیث نوشته‌ی آگوستین، الهیات جامع نوشته‌ی توماس آکوئیناس، مبانی دین مسیحیت نوشته‌ی جان کلونین و غیره*. همه‌ی آنها پیامدهای خوب و ضروری آموزه‌های کتاب‌مقدس را توضیح داده‌اند. بنابراین، آیا آموزه‌ی تثلیث مبتنی بر کتاب‌مقدس است؟ بی‌هیچ تردیدی.

دکتر کیت ای. متیسون استاد الهیات نظام‌مند در کالج ریفورمیشن بایبل واقع در استنفورد فلوریدا است. او مولف چندین کتاب، از جمله *The Lord's Supper* و *From Age to Age* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.